

امکان سنجی رسیدگی به اتهام نسل کشی اویغورها در دیوان کیفری بین المللی

چکیده

نسل کشی یکی از مهم ترین جنایات بین المللی است که در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پیش بینی و برای ارتکاب آن مجازات تعیین شده است. در دکتین حقوقی از آن به عنوان مادر جرایم یاد می شود. گمان رخ داد این جرم در کشور چین و در ارتباط با اقلیت قومی اویغورهای مسلمان، چندین سال است که محل بحث و گفت و گو است. گزارش اخیر موسسه افق های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری¹ در واشنگتن، بیانگر اهمیت بررسی موضوع نسل کشی اویغورها است که تا حدودی توجه جامعه جهانی و رسانه ها را نیز به خود جلب کرده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، پاسخ به پرسش های است از این دست که تا چه میزان می توان در زنجیره اقدامات و رخداد های ناظر به وضعیت اویغورها، عناصر مادی جنایت نسل کشی را به گونه ای محرز انگاشت که بتوان بر پایه آن ادعای تحقق آستانه صلاحیتی پیش نیاز شروع اقدامات تحقیقی از سوی دادستان را موجه و معتبر دانست؟ و تا چه میزان می توان مسئولیت اعمال و اقدامات انجام یافته علیه اویغورها را متوجه مقامات دولتی چین دانست؟ تکاپوی فکری سامان یافته در نوشتار پیش رو، به منظور یافتن پاسخ هایی معتبر برای این پرسش ها گویای آن است که به استناد شواهد و داده های برگرفته از اسناد و گزارش های پر شمار انتشار یافته از سوی نهادها و مراجع بین المللی می توان رخ داد مصادیق متعدد پاره های پنجگانه عنصر مادی جنایت نسل کشی علیه اویغورها در منطقه سین کیانگ را محرز دانست، اگرچه وجود پاره ای تنگناها و موانع عملی مهم باعث گردیده است تا ورود دادستان دیوان کیفری بین المللی به موضوع، به رغم امکان های حقوقی و هنجاری نهفته در اساسنامه دیوان، بسیار دور از دسترس در نظر آید. داده های ناظر به نقش تعیین کننده مقامات ملی و محلی چین و گماشتگان آنها، در طراحی، برنامه ریزی و پیاده سازی اقدامات منتهی به تحقق عناصر مادی جنایت نسل کشی بر ضد اویغورها نیز جای تردید چندان برای طرح مسئولیت کیفری بین المللی مقامات چینی باقی نمی گذارد. تکاپوی ذهنی معطوف به ژرف کاوی در پرسش های پژوهش، تجزیه و تحلیل داده ها و عرضه دستیافت های پژوهشی به اتکاء روش تحلیلی - توصیفی سامان یافته است.

کلید واژگان: اویغورها، نسل کشی، چین، دیوان کیفری بین المللی، آستانه صلاحیتی

¹ - Newlines Institute for Strategy and Policy

مقدمه

جغرافیای جمعیتی قوم اویغور نشان می دهد اویغورها^۲ از اقوام ترک تبار ساکن در ایالت خودگردان سین(شین)کیانگ یا ترکستان شرقی (ایغورستان) به مرکزیت اورومچی در شمال غرب چین و با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر می باشند^۳. اویغورها در سایر کشورها نیز پراکنده اند و عمدتاً در شمار مسلمانان سنی مذهب هستند. تاریخ اویغورها به ۴۰۰۰ سال پیش باز می گردد و جاده تاریخی ابریشم از قلمرو سکونت آنها می گذشت. منطقه سینکیانگ که در سال ۱۷۵۹ و در زمان فرمانروایی خاندان چینگ به تسخیر امپراتوری چین درآمده و به قلمرو آن ضمیمه شد، در چند سده گذشته شاهد چندین رویارویی میان حکومت مرکزی و اویغورها بوده است که در پاره ای از آنها سودای جدایی و استقلال از چین، برانگیزنده اصلی طغیان اویغورها بوده و دست کم در دو مقطع (۱۹۳۳-۱۹۳۴ و ۱۹۴۹-۱۹۴۴) به تاسیس دولتی مستقل، امامستعلج، به نام جمهوری ترکستان شرقی انجامید.^۴

با این حال، تکاپوی اویغورها برای جدایی از چین و کسب استقلال، تاکنون به ثمر نرسیده است و حتی به دستاویزی مبدل شده است که دولت جمهوری خلق چین [زین پس: چین] به ویژه در دهه های اخیر، با توسل به آن، اقدامات گسترده و شدیدی را برای اعمال فشار و سرکوب اویغورها تدارک دیده و به عمل آورده است. چین که بشدت نگران گرایشات جدایی خواهانه اویغورها است و آنها را تجزیه طلب و تروریستهای افراطی مسلمان می خواند^۵، پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با اغتنام فرصت، درصدد بر آمد تا اقدامات سرکوبگرانه خود علیه اویغورها را شدت و وسعت بخشید و چنان اقداماتی را به مثابه بخشی از جنگ جهانی علیه تروریسم توجیه نموده و مشروعیت بخشید. دولت چین ضمن خوشامد گویی به جنگ جهانی اعلام شده آمریکا علیه تروریسم و همنوایی با آن، در توجیه فشار و سرکوب فزاینده خود در قبال اویغورها، اعلام داشته است با هر هزینه ای علیه شیاطین سه گانه "جدایی خواهی، افراط گرایی مذهبی و تروریسم بین المللی" در سین کیانگ، مبارزه خواهد کرد.^۶

^۲- اویغور به معنای به هم پیوستن و گرد هم شدن است. ن. ک رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳ ش. وی در تعریف لغت اویغور به پارسی آورده است: به ما پیوست و مدد و موافقت کرد.

^۳-Toops, Stanley, "The Population Landscape of Xinjiang/East Turkestan, *Inner Asia*, Vol.2, No.2,2000, pp.155-157. And Maizland, Lindsay, "China's Repression of Uyghurs in Xinjiang", Council for Foreign Relations, www.cfr.org, Retrieved 7 June 2021.

^۴-Newlines Institute for Strategy and policy, *The Uyghur Genocide: A Examination of China's Breaches of the 1948 Genocide Convention*, 2021, p.15.

5- *Oracle bones: a journey between China's past and present*. Peter Hessler. Publisher HarperCollins, 2006 ISBN0-06-082658-4 pp.438

اویغورها وضعیتی شبیه مسلمانان چین در روسیه دارند.

6-Maizland, Lindsay, *op-cit*.

در چنین بافت و زمینه ای که دولت چین پرچم مبارزه بر ضد جدایی طلبی، افراط گرایی مذهبی و تروریسم را بر افراشته است، مجموعه ای از اقدامات پدافند در سنین کیانگ علیه اوغورها برنامه ریزی و به اجرا گذاشته شد؛ شامل بازداشت های گسترده، پیشگیری از زاد و ولد، انتقال اجباری کودکان، هدف گیری گزینشی روشنفکران و رهبران قومی، اعدام یا قتل بسیاری از افراد هدف گیری شده و نظایر آن که باعث شده است تا گمان ارتکاب نسل کشی اوغورها توسط دولت چین از سوی پاره ای دولتها، نهادهای بین المللی حقوق بشری، اندیشکده ها و رسانه های جهانی مطرح شود؛ به گونه ای که برخی از مراجع یادشده، از این وضعیت، زیر نام هولوکاست چینی یاد می کنند. طرح اتهام نسل کشی علیه دولت چین و مقامات و کارگزاران و گماشتگان آن، بسیاری را واداشته است تا ضرورت و فوریت توجه و اقدام جامعه بین المللی به ویژه دیوان کیفری بین المللی در این باره را یادآور شوند؛ چراکه نسل کشی را تعرض فاحش به وجدان بشریت و زیر پا گذاشتن هنجارها و ارزشهای بنیادین جامعه بین المللی می انگارند.

نسل کشی به عنوان جرم جرمها^۷ یا مادر جرایم، نامی است که در نوشته های علمی و دانشگاهی به آن می دهند. اصطلاح نسل کشی^۸ برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵ از سوی رافائل لمکین آلمانی^۹ ابداع شد و در ادبیات حقوق بین الملل و حقوق کیفری بین المللی با اقبال گسترده روبرو شد. نسل کشی که در ابتدای ورود در ادبیات حقوقی ایران و در ترجمه متن کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی (۱۹۴۸)^{۱۰} با عنوان کشتار جمعی^{۱۱} بکار رفته است، امروزه از سوی برخی حقوقدانان و پژوهشگران، زیر عنوان نسل زدایی از آن یاد می شود. اتهام ارتکاب نسل کشی توسط دولتها، نهادها و اشخاص مختلف از آغاز قرن بیستم به این سو بارها مطرح شده است. از اتهام نسل کشی آرامنه^{۱۲} توسط دولت ترک عثمانی در طول جنگ جهانی اول تا اتهام نسل کشی اوغورهای مسلمان در دهه های آغازین سده بیست و یکم توسط دولت چین و کارگزاران و گماشتگان آن در

⁷-Crimes of Crime

⁸-Genocide

۹- کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳، ص ۸۶.

¹⁰- The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide of 1948

^{۱۱}- در متون رسمی دولت ایران از جمله در قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی مصوب ۱۳۳۴ خورشیدی در مقابل Genocide کشتار جمعی به کار گرفته شده است.

^{۱۲}- نسل کشی آرامنه که خود ارمنی ها آن را جنایت بزرگ می نامند، به ناپودی عمدی و از پیش برنامه ریزی شده جمعیت ارمنی ساکن سرزمین های تحت کنترل امپراتوری عثمانی در اثنای جنگ جهانی اول (۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ میلادی) توسط پان ترکیست های عثمانی و رهبران و پیروان قیام ترکان جوان اطلاق می شود. عملیات در قالب کشتارهای دسته جمعی و نیز تبعیدهای اجباری در شرایطی که موجبات مرگ تبعیدشدگان را فراهم آورد، انجام می پذیرفت. امروزه تعداد کل قربانیان نسل کشی آرامنه حدود یک و نیم میلیون نفر برآورد می شود. نک: احمدی ورامینی، مهرداد. به نقل از سایت اینترنتی پیام آفتاب در تاریخ ۱۳۹۲، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

منطقه خودمختار سین کیانگ(گزارش بیست و پنج هزار صفحه ای موسسه آمریکایی افق های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری).^{۱۳}

جنایت نسل کشی در ماده ۵ اساس نامه دیوان کیفری بین المللی به عنوان یکی از جنایات بین المللی در صلاحیت دیوان شناخته شده و در ماده ۶ اساس نامه، ارکان و عناصر این جرم به تفصیل تبیین شده است.^{۱۴} تصمیمات و آراء دادگاه های کیفری بین المللی(تصمیم دادستان دیوان در تعقیب عمر البشیر،- رئیس جمهور پیشین سودان- که به سه فقره نسل کشی متهم می باشد)^{۱۵} نیز به دفعات از این جرم یاد کرده و برخی مرتکبان این جرم، محکوم به تحمل مجازات شده اند.براین اساس می توان ادعان داشت کهدر حال حاضر، ممنوعیت نسل کشی، به بخشی از حقوق بین الملل عرفی^{۱۶} تبدیل شده و یک قاعده آمره^{۱۷} محسوب می شود که تعهد درقبال آن در شمار تعهدات ارگاو منس^{۱۸} یا تعهدات دولتها در برابر کل جامعه بین المللی قلمداد می گردد. با این وصف، درخصوص رسیدگی به این جرم، خلاء هنجاری و رویه ای وجود ندارد؛ بلکه در این زمینه، پشتوانه حقوقی و قضایی نسبتاً قوی وجود دارد.

در همین راستا و در مقام تقریر بیان مساله پژوهش، حال این پرسش مطرح می شود که تا چه میزان می توان اقدامات دولت و مقامات ملی و محلی جمهوری خلق چیندر سین کیانگ علیه اوغورها را مصداق ارتکاب جرم نسل کشی قلمداد نمود؟ و با فرض اثبات ارتکاب جرم نسل کشی در خصوص اوغورها، موازین حقوقی و ترتیبات نهادی نظام هنجاری جامعه بین المللی تا چه میزان ظرفیت آن را دارد تا بستر برخورد مناسب و به موقع با مرتکبان چنان جرمی را فراهم سازد؟ پرداختن به این پرسش ها از آن حیث درخور توجه است که از سویی برخی کارشناسان^{۱۹} و نهادهای بین المللی مانند دیده بان حقوق بشر^{۲۰} ارتکاب نسل کشی

^{۱۳}- این گزارش از سوی یک کمیته متشکل از بیش از ۵۰ کارشناس حوزه حقوق بین الملل، مطالعات نسل کشی، سیاست های قومی چین و منطقهها همکاری مرکز راول والنبرگ برای حقوق بشر آماده شده و اولین تحقیق مستقل درباره ادعای وقوع "نسل کشی" در مناطق اوغور نشین ایالت سینکیانگ می باشد.با توجه به این که تاکنون گزارش رسمی از سوی مراجع و سازمان های بین المللی تهیه و منتشر نگردیده این گزارش می تواند دادستان دیوان را در آستانه استفاده از اختیار مذکور در بند ۳ ماده ۱۵ قرار دهد.

^{۱۴}- یاقوتی، ابراهیم و عزیزه بهلولی، "مجازات جرم نسل کشی در دیوان بین المللی کیفری و دیوان های رواندا و یوگسلاوی" *مجله مطالعات فقه اقتصادی*، شماره ۱، ۱۳۹۸، ص. ۴.

^{۱۵}- فخر، حسین، مفهوم نسل کشی در پرتو رأی دیوان بین المللی کیفری رواندا، همایش جهانی شدن حقوق و چالشهای آن، مشهد، ۱۳۸۵، ۵۷۶۹۲، <https://civilica.com/doc/57692>

^{۱۶}- جاویدزاده، حمیدرضا، "سیاست های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی" *مفصلنامه پژوهش حقوق سیاست*، شماره ۳۳، ۱۳۹۰، ص. ۱.

^{۱۷}- عزیززی، ستار و محمدحاجی، "تعامل بین ممنوعیت قردادی نسل کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل کشی"، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۴۵، ۱۳۹۰، ص. ۱۳.

^{۱۸} --Zhu, Wenqi, Zhang, Binxin, "Expectation of Prosecuting the Crimes of Genocide in China, in: Provost R., Akhavan P. (eds) *Confronting Genocide, Jus Gentium: Comparative Perspectives on law and Justice*, Vol.7, 2011, p.173, Springer, Dordrecht, <http://doi.org/10.1007/978-90-481-9840-5-12>, Retrieved 4 July 2021.

^{۱۹}-Mattis, peter, "Yes, the Atrocities in Xinjiang Constitute a Genocide", *Foreign Policy*, 15 April, 2021.

علیه او یغورها را محرز ندانسته و اقدامات انجام گرفته در سین کیانگ را زیر عنوان جنایات علیه بشریت توصیف می کنند و از سوی دیگر، با نظر داشت عدم عضویت دولت چین در اساسنامه دیوان^{۲۱}، امکان ارجاع قضیه او یغورها از سوی یک دولت عضو به دادستان دیوان برای تعقیب، محاکمه و مجازات عاملان کشتارها و شکنجه ها وجود ندارد.

هم چنین، مشکل دیگری که می تواند خودنمایی کند این است که دولت چین یکی از اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد؛ در نتیجه استفاده از سازوکار مقرر در بند الف ماده ۱۳ اساسنامه نیز متفی خواهد بود. تنها چشم اندازی که وجود دارد، استفاده از اختیارات علی الراس دادستان به موجب بند ج ماده ۱۳ اساسنامه می باشد که آن هم دشواری های خاص خود را دارد، اگرچه می توان به آن اندیشید. به هر حال چنانچه دادستان دیوان بر مبنای اطلاعات دریافتی از منابع مختلف به این باور برسد که اقدامات دولت چین در رفتار با او یغورها نسل کشی شناخته می شود، می تواند با شروع به ارزیابی های مقدماتی^{۲۲}، وظایف خود را انجام دهد و در صورت صدور اجازه تحقیق از سوی شعبه مقدماتی، تحقیقات^{۲۳} خود را آغاز نماید؛ مسیری که البته برای دیوان و دادستان آن، چندان هموار نیست، اما بازتاب دهنده آرزوهای جامعه جهانی برای تحقق عدالت کیفری است.

در نوشتار پیش رو، کوشش خواهد شد با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ابعاد مختلف مساله مورد بررسی، در پنج مبحث واکاوی شود. ابتدا، نظریات مختلف درباره مبنای طرح اتهام نسل کشی در خصوص اقدامات انجام یافته علیه او یغورها در سین کیانگ شرح و ارزیابی می شود (مبحث نخست). سپس کم و کیف و چگونگی کسب اطلاعات توسط دادستان دیوان را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می دهیم (مبحث دوم)، در ادامه به بررسی تحقق پاره های مادی جنایت نسل کشی در چارچوب اقدامات دولت چین خواهیم پرداخت (مبحث سوم). دستمایه بخش چهارم، درنگی است کوتاه و گذرا پیرامون عنصر معنوی نسل کشی او یغورها (مبحث چهارم). در بخش پنجم نیز مسئولیت مقامات دولتی و نادولتی چین در قبال سیاست ها و اقدامات منتهی به نسل کشی او یغورها، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد (مبحث پنجم). نتیجه گیری نهایی، بخش پایانی نوشتار حاضر خواهد بود. فرضیه کانونی که راهنمای مطالعه حاضر بوده، این است که به اتکاء شواهد و قراین و اسناد و مدارک دسترس پذیر، به احتمال بسیار زیاد می توان ارتکاب نسل کشی در خصوص او یغورها را احراز نمود، اگرچه قرار گرفتن این موضوع در دستوکار دیوان کیفری بین المللی از طریق تحقیقات علی الراس دادستان، به دلیل وجود موانع عملی مهم، فرصت تحقق چندان ندارد و از چشم انداز روشنی برخوردار نیست.

¹⁷-Davidson, Helen, "Campaigners Call for Global Response to "Unprecedented" Oppression in Xinjiang", *The Guardian*, Monday, 19 April, 2021.

^{۲۱}- چین یکی از ۱۵۲ کشوری است که کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ را امضاء کرده است.

²²- Preliminary Examinations

²³- Investigations

۱. چارچوب نظری: مبانی اتهام نسلکشی اویغورها در منطقه سین کیانگ

همان گونه که پیش از این یادآوری شد، بسیاری از کارشناسان و مراجع بین المللی، شواهد، ادله، مدارک و مستندات موجود برای احراز رخ داد نسل کشی اویغورهای سین کیانگ توسط مقامات و مامورین و گماشتگان دولت چین در سالهای اخیر را محرز می دانند؛ با این حال، کسانی که اتهام نسل کشی را متوجه دولت چین و مقامات و مامورین آن می نمایند، جملگی از مبنایی یکسان و یگانه برای طرح چنین اتهامی پیروی نمی کنند. عنوان کنندگان اتهام نسل کشی اویغورها توسط دولت چین و کارگزاران و دست نشاندهان آن، مدعای خود را در مجموع، بر چهار رهیافت متفاوت استوار نموده اند: رهیافت نسل کشی فرهنگی، رهیافت فرایندنگاری نسل کشی، رهیافت مسئولیت مدنی دولت و رهیافت مسئولیت کیفری بین المللی.

۱-۱. رهیافت نسل کشی فرهنگی: این رهیافت بر پایه فرض نوعی پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی میان نسل کشی و مفهوم

اقلیت، استوار است و نقطه کانونی در فرایند نسل کشی را زدودن هویت گروههای اقلیت هدف گیری شده می انگارد؛ به گونه ای که در ارزیابی رخ داد نسل کشی، ملاک محوری را سیاست ها و اقدامات معطوف به هویت ستیزی و هویت زدایی می پندارد. مروجان رهیافت نسل کشی فرهنگی، اذعان می دارند که لمکین در کسوت مبدع و واضع مفهوم نسل کشی، این مفهوم را ناظر به پدیده ای فراگیر و چندگانه می پنداشت که به مثابه نوعی تهاجم سیستماتیک علیه گروهی از مردم و هویت فرهنگی متمایز آنها و جرمی جهت گیری شده بر ضد یک خویشان متفاوت، از بنیاد، گوهری فرهنگی داشته^{۲۴} و در عین حال، همزمان، دارای ابعاد گوناگون "سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بیولوژیکی، فیزیکی، مذهبی و اخلاقی" نیز می باشد.^{۲۵}

هواداران رهیافت اخیر، با انتقاد از برداشت و تعریف تنگ بینانه معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸، از پدیده نسل کشی و نادیده انگاشتن ماهیت فرهنگی و هویتی این پدیده و تمرکز بر ابعاد فیزیکی و بیولوژیکی آن، بر ضرورت اصلاح چنان تعریفی تاکید دارند. در همین راستا، رهیافت مورد بررسی، با آن که سیاست ها و اقدامات اتخاذ شده دولت چین در سین کیانگ علیه اویغورها را با تعریف نسل کشی در معاهده یاد شده کاملاً همخوان ندانسته و از این رو قابل پیگیری از سوی دیوان کیفری بین المللی به شمار نمی آورد، اما چنان سیاست ها و اقداماتی را مصداق آشکارا و تردید ناپذیر نسل کشی فرهنگی قلمداد می کند.^{۲۶} از این دیدگاه اقداماتی همچون تصویب قانون امنیت ملی و قانون ضد تروریسم ۲۰۱۵، مقررات ضد افراط گرایی ایالت سین کیانگ ۲۰۱۶، سیاست ضربه سخت، بازداشت های گسترده در مراکز آموزش شغلی و مهارت آموزی، مغزشویی کودکان در مدارس شبانه روزی و پرورشگاههای دولتی، محدودسازی مجاری جامعه پذیری و آموزش و انتقال فرهنگی اویغورها را می

²⁴--Finnegan, Ciara(2020) "The Uyghur Minority in China: A Case Study of Cultural Genocide, Minority Rights and the Insufficiency of International Legal Framework in Preventing State-Imposed Extinction", *Laws*, Vol.9, No.1,2020,p.5.

²⁵--*Ibid*,p.2.

²⁶--*Ibid*,p.15.

توانجملگی، نشانه هایی از وقوع نسل کشی فرهنگی در سین کیانگ به شمار آورد؛ چراکه بصورتی سیستماتیک و سازمان یافته، با هدف ایجاد "گسست بین نسلی" و "سیم کشی فرهنگی مجدد" اویغورها انجام گرفته و گونه ای "کارزار شدید باز-مهندسی اجتماعی اجبار آمیز" را بازتاب می دهد که پیامد نهایی آن، زدایش و نابودسازی هویت فرهنگی متمایز اقلیت اویغور خواهد بود.^{۲۷}

۱-۲. رهیافت فرایند انگاری نسل کشی: رویکرد فرایندنگارانه بیش از آن که نسل کشی را یک رخداد یک باره و ناگهانی و نوعی وضعیت و محصول نهایی قلمداد کند، آن را چونان فرایندی پیوسته و دگرگون شونده و جریانی پیاپی از مراحل و رخدادهای درهم تنیده ترسیم می کند. هواداران این رهیافت، همونوا با هواخواهان رهیافت نسل کشی فرهنگی، صورتبندی ماده ۲ معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸ را به چالش خوانده و با تاکید ویژه بر ماهیت پیشگیرانه و حمایتی قاعده آمره منع نسل کشی، به پیروی از گروگی اچ. استانتون، نسل کشی را فرایندی متشکل از ده مرحله به هم پیوسته می دانند که مراحل دهگانه موردنظر، ضرورتا توالی زمانی نداشته و ممکن است با همدیگر همپوشانی داشته باشند. مراحل دهگانه فرایند نسل کشی به روایت استانتون^{۲۸} عبارتند از: (۱) طبقه بندی^{۲۹} (۲) نمادین سازی^{۳۰} (۳) تبعیض^{۳۱} (۴) انسانیت زدایی^{۳۲} (۵) سازماندهی^{۳۳} (۶) قطبیسازی^{۳۴} (۷) آمادہسازی و مقدمه چینی^{۳۵} (۸) پیگرد و آزاررسانی^{۳۶} (۹) نابودسازی و ریشه کنی^{۳۷} (۱۰) انکارگری^{۳۸}.

فرایندی نگرستن نسل کشی و توصیف آن به مثابه پیوستاری از مراحل متمایز، اما درهم تنیده، به نوبه خود، دربردارنده نوعی جهت گیری هنجاری-تجویزی و حمایتگرانه است که بیش از همه، در صدد آن است تا چارچوبی سنجش پذیر برای ارزیابی شرایط حمایت جامعه بین المللی از گروههای هدف اقدامات نسل کشی و تجویز مداخله، تدارک نماید. بر همین اساس، پژوهشگران متمایل به فرایندنگاری نسل کشی، با یادآوری اقدامات و سیاست های سیستماتیک و هدفمند اتخاذ شده علیه اویغورها، مانند بازداشت های گسترده، شکنجه، محاکمات غیر عادلانه، قتل های فراقضایی، مصادره اموال، پیشگیری از فرزندآوری، عقیم سازی یا سقط اجباری و نظایر آن، این گونه سیاست ها و اقدامات رابه روشنی، بیانگر شکل گیری و تداوم فرایند نسل کشی در این منطقه می دانند. به زعم آنها فرایند نسل کشی اویغورها در سین کیانگ، در شرایط کنونی، در مرحله هشتم، یعنی در مرحله پیگیرد و آزار قرار داد و بر همین اساس به منظور پیشگیری از رخ داد فجایع انسانی بزرگ و جبران ناپذیر،

²⁷-Ibid, pp.7-13.

²⁸--Stanton, Gergory, "The Ten Stages of Genocide", www.genocidewatch.net, Retrieved 7 June 2021.

²⁹-Classification

³⁰- Symbolization

³¹-Discrimination

³²- Dehumanization

³³- Organization

³⁴-Polarization

³⁵- Preparation

³⁶- Persecution

³⁷- Extermination

³⁸- Denial

حمایت موثر جامعه بین المللی از اوغورها و اتخاذ تصمیم ها و اقدامات تنبیهی علیه دولت چین را تجویز نموده و بلکه بسیار ضروری و فوری ارزیابی می کنند.^{۳۹} با این حال، رهیافت فرایندنگار، با نظر داشت سمت و سوی "دریافت هژمونیک نسل کشی" به روایت ماده ۲ معاهده ۱۹۴۸ و تاکید آن بر نابودی بیولوژیکی و فیزیکی گروههای هدف^{۴۰}، چشم اندازی برای ارجاع وضعیت سین کیانگ به دیوان کیفری بین المللی قایل نیست.

۱-۳. رهیافت مسئولیت بین المللی دولت: این رهیافت که بیش از همه در گزارش موسسه افق های نوین برای

استراتژی و سیاستگذاری بازتاب یافته است، مفاد ماده ۲ معاهده پیشگیری و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ را نقطه عزیمت خود قرار داده و با اتکا به تعریف این ماده از نسل کشی و عناصر آن، مترصد است تا در پرتو ارزیابی میزان همخوانی و انطباق سیاست ها و اقدامات دولت چین در منطقه سین کیانگ با بندهای پنجگانه مندرج در مقرر یاد شده، امکان طرح مسئولیت بین المللی دولت چین را بسنجد و واریسی نماید. به موجب مفاد گزارش پیش گفته، ارکان مسئولیت بین المللی دولت در خصوص سیاست های اتخاذ شده و اقدامات انجام یافته دولت چین علیه اوغورها در منطقه سین کیانگ، به روشنی، محرز و محقق است؛ از یک سو، اقدامات صورت پذیرفته علیه اوغورها غالباً یا توسط نهادهای اجرایی، قانونگذاری و قضایی زیر مجموعه حکومت، طراحی و اعمال شده است و یا به دستور دولت و توسط گماشتگان غیردولتی انجام گرفته است که در هر دو صورت قابلیت انتساب به دولت چین را دارند.

از سوی دیگر، سلسله اقدامات و عملیات سازماندهی و اجرا شده علیه اوغورها در نقض بندهای پنجگانه ماده ۲ معاهده نسل کشی ۱۹۴۸، که چین هم در شمار اعضای آن می باشد، رخ داده است. بر این اساس، جامعه جهانی با نظر داشت تعهدات ارگاو منس ناشی از قاعده آمره منع نسل کشی، می باید دولت چین را ملزم سازد تا در راستای بازگشت به ایفای تعهدات بین المللی خود، سیاست ها و اقدامات مورد نظر را بی درنگ، متوقف ساخته و به جبران خسارت آسیب دیدگان، اهتمام نماید.^{۴۱} در چارچوب این رهیافت یادآوری می شود که به رغم آن که از مفاد اسناد سیاستی و دستورات مراجع و مقامات حکومتی چین می توان شواهد وقراین فراوانی از قصد و برنامه ریزی آگاهانه در عملیات و اقدامات طراحی و اجرا شده علیه اوغورها سین کیانگ را برشمرد و ارایه نمود، اما از دیدگاه ارزیابی حقوقی، میزان انطباق رفتار دولت چین با معاهده منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸، مساله قصد و احراز آن، از اساس، موضوعیت ندارد؛ چراکه ممنوعیت نسل کشی، یک قاعده آمره و هنجار قطعی و تخلف

³⁹--Störig, Henrietta, *The Uyghurs of China: A Genocide in the Making, Tracking the Stages of Genocide*, Malmö University, Faculty of Culture and Society, International Relations, Dept. of Global Political Studies Bachelor programme-IR103L, 15 credits thesis, ۲۰۲۰, p.25. www.mu.se, Retrieved 4 July 2021.

⁴⁰--*Ibid*, p.3.

⁴¹--Newlines Institute for Strategy and policy, *op.cit.*, pp.47-50.

ناپذیر حقوق بین الملل عام به شمار می رود که دولت چین به عنوان یکی از اعضای معاهده یاد شده به هیچ عنوان، مجاز به نادیده انگاری و نقض آن نیست و حق شرط اعلامی این دولت نسبت به ماده ۹ معاهده مور نظر، دولت چین را از تعهد قطعی و تخلف ناپذیر در قبال قاعده پیش گفته معاف نمی دارد.^{۴۲}

۱-۴. رهیافت مسئولیت کیفری بین المللی: انتشار روزافزون اخبار و اطلاعات و گزارش های تفصیلی مستند به اسناد و مدارک پر شمار درباره سیاست ها و اقدامات سازماندهی شده و به اجرا درآمده علیه اوغورها در سین کیانگ، برخی پژوهشگران و حقوقدانان را بر آن داشته است تا بر پایه فرض رخ داد نسل کشی در منطقه یاد شده، موضوع مسئولیت کیفری بین المللی مقامات و مامورین دولتی و سایر اشخاص موثر و دست اندرکار در شکل گیری رخداد مذکور را در دستکار قرار داده و پیرو آن امکان ارجاع وضعیت سین کیانگ به دیوان کیفری بین المللی را ارزیابی نمایند. در همین پیوند، پژوهش پیش رو را نیز می توان تکاپویی فکری به شمار آورد که از گذر آن کوشش به عمل آمده است تا دلایل احراز مسئولیت کیفری بین المللی اشخاص نقش آفرین در سیاست ها و اقدامات سازماندهی و پیاده شده علیه اوغورها و به تبع آن امکان ارجاع موضوع به دیوان کیفری بین المللی، واکاوی و ارزیابی شود. در بخش های آتی پژوهش دلایل اتخاذ چنین رهیافتی آشکار خواهد شد.

۲. کسب اطلاعات توسط دادستان از منابع معتبر و ارزیابی آن ها برای فعال سازی سازوکار ماشه

به موجب مقررات اساس نامه، دادستان دیوان می تواند اطلاعات خود را از هر منبعی دریافت نماید (ماده ۱۵ (۱) و ماده ۱۰۴ آیین دادرسی و ادله) اما معمولاً دیوان، نظر دولتها، ارکان ملل متحد، سازمان های بین دولتی یا غیردولتی یا سایر منابعی که به نظر دیوان معتبر شناخته می شوند را دریافت می کند.^{۴۳} در سایر قضایایی که در حال حاضر در کشورها در دیوان مطرح است، وضع به همین منوال است که دادستان ابتدا اطلاعات رسمی و غیررسمی را جمع آوری و آن ها را تجزیه و تحلیل و راستی آزمایی می کند. یکی از منابع معتبر و قابل اتکاء، گزارش ها و اسناد سازمان های غیردولتی است.^{۴۴} سازمان های غیردولتی، بیشترین سهم را در توجه دادن دادستان دیوان به موضوعات و قضایا دارند.^{۴۵} گزارش موسسات خصوصی، نظیر گزارش **موسسه افق های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری** که در زمینه حقوق بشر فعال می باشند، می تواند در بستر سازی برای فعال شدن سازوکار ماشه موثر باشد. گزارش ۲۵ هزار صفحه ای موسسه پیش گفته به پشتوانه مستندات فراوان و

^{۴۲}-Ibid, pp. 9-12.

^{۴۳}- See, Report on Preliminary examination Activities 2020, the Office of the Prosecutor, 14 December 2020

^{۴۴}- صابر، محمود، *بین دادرسی دیوان کیفری بین المللی*، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸، ۱۰۹.

^{۴۵}- سازمان های بین المللی برای جمع آوری دلایل و مدارک مربوط به نقض حقوق بشر در ایالت سین کیانگ با مشکلات زیادی مواجه می باشند. به نقل از گزارش کمیته حقوق بشر کانون وکیلان انگلستان و ویلز، ص ۱۲

دلایل قابل قبول و باور زای مثبت‌درخور توجه، دلالت بر آن دارد که وقوع جنایت نسل‌کشی در قلمرو دولت چین محرز می‌باشد. چنان‌که در گزارش یاد شده نیز آمده است سخنرانی‌های مقامات دولتی و نیز تصاویر ضبط شده از اردوگاه‌ها و مراکز نگهداری و بازآموزی، به روشنی از رفتارهای نسل‌زدایانه از نوع بیولوژیک و فرهنگی و مذهبی و آزار دینی با انگیزه چینی‌سازی^{۴۶} در ایالت خودمختار سین‌کیانگ حکایت دارد.

هم‌چنین، در پیوند با یافته‌های گزارش مورد نظر، دادستان می‌تواند از شهود و مطلعین و نیز بزه‌دیدگان جنایات مشمول صلاحیت دیوان نیز تحقیق به عمل آورد (۱۵(۲)). با این وصف، گزارش **موسسه افق‌های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری** می‌تواند به مثابه دستمایه‌ای انگاشته شود که چنان‌چه دادستان دیوان با نظر داشت مفاد آن به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای تعقیب و پیگیری موضوع وجود دارد، درخواستی را به انضمام کلیه اسناد و مدارک مثبت‌ی جمع‌آوری شده به منظور دریافت مجوز تحقیق، نزد شعبه مقدماتی ارسال نماید (۱۵(۳)). چنان‌چه شعبه مقدماتی، دلایل دادستان را قوی ارزیابی نموده و مبنای منطقی برای انجام تحقیقات را احراز کند اجازه شروع به تحقیقات را صادر خواهد کرد (۱۵(۴)). در نتیجه، یکی از وظایف مهم دادستان دیوان، ارزیابی حقوقی اقدامات و سیاست‌های دولت چین در قبال اقلیت قومی اویغور می‌باشد. ناگفته نماند، دادستان دیوان نیز باید بر اساس مقررات اساسنامه، علاوه بر تشخیص صلاحیت خود (ماده ۵۸) و سایر معیارهای مذکور در اساسنامه، از جمله قابلیت پذیرش و استماع دعوا (ماده ۱۹)، منافع جامعه بین‌المللی و اقتضای عدالت (ماده ۵۳(۱))، اهمیت جرم و شدت جرم (ماده ۵۳(۲))^{۴۷} را برای ارزیابی مقدماتی قضیه، مدنظر قرار دهد.

۳. تحلیل حقوقی پاره‌های عنصر مادی نسل‌کشی اویغورها

همان‌گونه که در مقدمه و در مقام تقریر مساله پژوهش‌بیان شد، اهتمام نوشتار پیش‌رو معطوف به آن است تا احتمال وقوع و تحقق عنصر مادی جرم نسل‌کشی در پی اتخاذ و اعمال سیاست‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات مقامات ملی و محلی دولت چین علیه اویغورهای مسلمان سین‌کیانگ را واکاوی و ارزیابی نماید. پر پیدا است که برآورده ساختن چنان مقصودی نیز در گرو درنگ و تامل پیرامون دو موضوع خواهد بود؛ نخست، مولفه‌ها و پاره‌های عنصر مادی جرم نسل‌کشی به طور عام و دوم، سنجش و ارزیابی سیاست‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات دولت و مقام‌های چین علیه اویغورها از نقطه نظر میزان انطباق آنها با پاره‌های عنصر مادی جرم نسل‌کشی. در همین پیوند، در این بخش از پژوهش کوشش خواهد شد تا پس از بر شمردن مولفه‌های عنصر مادی

^{۴۶}-Sinicization

^{۴۷} - کوشا، سهیلا، اسماعیل طهمورثی، فاطمه سوهانیان، "رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در گزینش پرونده‌های ارجاعی"، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*،

دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، ۱۳۹۸، ص. ۳۵۶.

جرم نسل کشی، به استناد منابع حقوقی همبسته، رفتار دولت و مقام های چین در قبال اویغورها از دیدگاه میزان همسویی و هم راستایی با مولفه های یاد شده مورد موشکافی قرار گیرد.

به موجب اساسنامه، به عنوان سند تشکیل یک دادگاه دائمی، دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به جنایات چهارگانه مذکور در ماده ۵ از جمله نسل کشی، تشکیل شده است. ماده ۶ اساس نامه رم، در تعریف نسل کشی مقرر می دارد، نسل کشی عبارت است از: یکی از اعمال مشروحه زیر که به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، به عنوان یک کل، ارتکاب می یابد:

۱- قتل اعضای یک گروه؛

۲- وارد کردن صدمه جسمی یا روحی شدید به اعضای یک گروه؛

۳- قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی، کلی یا جزئی شود؛

۴- تحمیل اقداماتی که به قصد جلوگیری از توالد در یک گروه صورت می گیرد؛

۵- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.^{۴۸}

نسل کشی در پاره های مادی یا مصادیق ۵ گانه ای که در بالا گفته شد، باید همراه با عنصر روانی لازم که شامل قصد عام و قصد خاص می باشد، رخ داده باشد.^{۴۹} این موارد، انحصاری و نه تمثیلی هستند. آن گونه که از گزارشهای نهادهای مجامع بین المللی به ویژه مراکز حقوق بشری استنباط می شود، رخداد گونه های پنج گانه بالا در رفتار مقامات چینیمشهود است. در گزارش **موسسه افق های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری** اذعان شده است که بر اساس « اسناد روشن و قانع کننده»، دولت چین در منطقه سین کیانگ مرتکب همه اعمال پنجگانه مصداق نسل کشی علیه اویغورها شده است. با فرض پذیرش چنین استنباطی می توان مسئولیت کیفری اعمال مذکور را متوجه مقامات حزب کمونیست چین و تمام مراجع و مقامات و کماشتگانی دانست که در وقوع چنان اعمالی نقش آفرین بوده اند. گزارش کمیته حقوق بشر کانون وکلای انگلستان و ولز^{۵۰} نیز موارد مذکور در گزارش موسسه آمریکایی **افق های نوین** را تأیید می نماید. هم چنین

^{۴۸} - متن ماده ۶ عیناً برگرفته از متن ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ می باشد.

^{۴۹} - اردبیلی محمدعلی، محمد جعفر حبیب زاده، حسین فخرناب، "نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران"، *پژوهش های حقوق تطبیقی*، شماره ۳ (پیاپی

۴۷)، ۱۳۸۵، ص. ۴۰.

^{۵۰} - *Bar Human Rights Committee of England and Wales*, "Responsibility of States under International Law to Uyghurs and other Turkic Muslims in Xinjiang, China", Briefing Paper, 2020, www.barhumanrights.org.uk, Retrieved 10 May 2021.

صفحات روزنامه‌ها و شبکه های مجازی، مملو از اخبار و تصاویر ناخوشایند و آزاردهنده در خصوص برخورد نامناسب و غیرانسانی و مجرمانه با اقلیت قومی اوغورها از جمله تجاوز سیستماتیک به زنان اوغوری می باشد که اشاره به آن ها مثنوی هفتاد من کاغذ می شود. در زیرکوشش خواهد شد تا به استناد پاره ای گزارش های انتشار یافته از سوی مراجع و رسانه های بین المللی، شواهد و مصادیق موید رخ داد پاره های پنجگانه جنایت نسل کشی^{۵۱} در منطقه سین کیانگ ارایه شود.

۳-۱. قتل اعضای یک گروه

اگرچه گزارش های درخور توجهی قتل عام و کشتار وسیع اوغورها، مشابه نمونه های تاریخی شناخته شده نسل کشی مانند قتل عام ارامنه، کشتار سربرنیتسا در بوسنی هرزگوین، کشتار روندا و نظایر آن را تایید نمی کند، اما پاره ای گزارش های معتبر و مستند به تحقیقات مستقل و گواهی شاهدان عینی، حکایت از آن دارد که گونه ای از عملیات و اقدامات هدفمند و برنامه ریزی شده توسط نهادها و مقامات حکومتی چینی برای حذف فیزیکی و نابودی بیولوژیک بخش هایی از جمعیت قوم اوغور در جریان است. یکی از سیاست های کانونی و دامنه دار دولت چین در منطقه سین کیانگ برای کنترل و استحاله و چینی سازی اوغورها که پیاده سازی آن در عمل، زمینه ساز قتل و نابودی بیولوژیک شماری از اعضای موثر این گروه قومیشده است، سیاست بازداشت گسترده و نگهداری بازداشت شدگان در اردوگاههای بزرگ موسوم به "اردوگاههای بازآموزی"^{۵۲} می باشد.

مطابق گزارش های متعدد و متواتر، برآورد شده است که از سال ۲۰۱۷ به این سو بیش از یک میلیون نفر از مردم اوغور در این اردوگاهها که از سال ۲۰۱۹ رسماً توسط دولت چین تحت عنوان "مراکز آموزش حرفه ای" نامگذاری شده اند بصورت انبوه و خودسرانه و بدون رعایت تشریفات قانونی و قضایی بازداشت شده اند.^{۵۳} گزارش های متکی به تصاویر ماهواره ای، گواهی شاهدان عینی و بررسی های میدانی از جمله گزارش کارشناسان **موسسه سیاستگذاری راهبردی استرالیا**^{۵۴} شمار اردوگاههای بازآموزی منطقه سین کیانگ را بین ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ اردوگاه بزرگ برآورد کرده اند.^{۵۵} از آنجایی که بازداشت های انبوه و انتقال بازداشت شدگان به اردوگاههای یاد شده، خودسرانه و بدون انجام تشریفات قانونی و قضایی انجام می شود، از این رو بستر برای

^{۵۱}-شریفی، محسن، "ارکان نسلکشی در پرتو اسناد و رویه‌ی قضایی بین‌المللی"، *تعالی حقوق*، شماره ۱۵، ۱۳۹۰، ص. ۶۹

^{۵۲}-Re-education Camps

^{۵۳}- Maizland, Lindsay, *op. cit.*

^{۵۴}--Australian Strategic Policy Institute

50-<https://www.usatoday.com/in-depth/news/politics/2021/04/02/is-china-committing-genocide-what-you-need-know-uyghurs/7015211002>; and *Newlines Institute for Strategy and Policy*, *op. cit.*, p.23.

ناپدیدسازی اجباری، اعدام های پنهانی و قتل های فراقضایی کاملاً مهیا است، به گونه ای که بسیاری از بازداشت شدگان نتوانسته اند از اردوگاههای محل نگهداری خود جان به در ببرند.^{۵۶}

در پاره ای گزارش ها با استناد به تصاویر ماهوره ای و آمار و اطلاعات مربوط به کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش تعداد مراکز مرده سوزی در منطقه سین کیانگ سعی بر آن است تا از قتل و نابودی فیزیکی بخش هایی از گروه قومی اویغور پرده برداری شود. آدریان زنز در گزارشی که در سال ۲۰۲۰ منتشر کرد با اشاره به کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت سین کیانگ از اوایل ۲۰۱۵ به این سو، یادآور شده است که روند کاهشی مورد نظر در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به سطوح باور ناپذیری رسیده است که به زعم وی یکی از علل اصلی این امر، مرگ و میر شمار زیادی از بازداشت شدگان گرفتار در اردوگاههای بازآموزی بوده است.^{۵۷} همچنین گزارش شده است که به تازه گی ساخت و ساز کوره های مرده سوزی در سین کیانگ برای پنهان کردن قتل بسیاری از بازداشت شدگان افزایش یافته است که می تواند به مثابه قرینه ای قلمداد شود که بر قتل شماری از اعضای گروه قومی اویغور دلالت دارد.^{۵۸} یک بخش از جمعیت اویغورها که با نظرداشت نقش کلیدی آنها در بازتولید و تداوم بخشی به هویت قومی و گروهی، بصورت هدفمند، برنامه ریزی شده و ویژه، در معرض بازداشت های خودسرانه، اعدام و قتل های فراقضایی قرار گرفته اند رهبران قومی، علمای مذهبی و روشنفکران می باشند.

یک سازمان غیردولتی اویغور به نام **پروژه حقوق بشر اویغور**^{۵۹} در گزارش خود راجع به وضعیت اردوگاههای بازآموزی در سین کیانگ اعلام داشته است که روشنفکران اویغور در کانون اقدامات سرکوبگرانه دولت چین قرار گرفته اند؛ به گونه ای که برخی چهره های برجسته روشنفکری، قربانی ناپدیدسازی اجباری شده و برخی دیگر در اردوگاهها به قتل رسیده اند. در گزارش یاد شده برآورد شده است که از آوریل ۲۰۱۷ حدود ۳۸۶ نفر از روشنفکران و چهره های برجسته اویغور بازداشت شده اند که بسیاری از آنها قربانی ناپدیدسازی اجباری شده و دست کم مرگ پنج نفرشان اعلام شده است.^{۶۰} هدف گیری گزینشی و برنامه ریزی شده روشنفکران، رهبران قومی و شخصیت های برجسته مذهبی از آن حیث درخور اهمیت است که این بخش از جمعیت اویغورها به عنوان مخازن آگاهی و دانش تاریخی و فرهنگی قومی، واسطه ی انتقال مواریت و ارزشهای کهن به نسلهای آتی بوده و بدین ترتیب نقشی تعیین کننده در بازتولید و پایاییهویت قومی دارند.^{۶۱} پر پیدا است که در نبود این بخش از جمعیت یا فرسودگی و ناتوان سازی آن، موجودیت اویغورها در مقام یک گروه قومی و کلیت اجتماعی متمایز، در معرض گسست و زوال قرار خواهد گرفت.

⁵⁶-Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.26.

⁵⁷--Adrian Zenz, Sterilizations, IUDs, and Mandatory Birth Control: The CCP's Campaign to Suppress Uyghur Birthrates in Xinjiang, Washington, D C, The JAMESTOWN FOUNDATION, June 2020, Updated March 17, 2021, pp.8-9. Attaiable: <http://www.jamestown.org>

⁵⁸-Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.26.

⁵⁹-Oyghur Human Right Project

⁶⁰-Finnegan, Ciara, *op. cit.*, p.10.

⁶¹-Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.26.

۳-۲. وارد کردن صدمه شدید جسمی یا روحی به اعضای یک گروه

اویغورها چه در داخل اردوگاههای بازآموزی زندان گونه ای که دولت چین زیر نام "مراکز تربیت و آموزش فنی و حرفه ای" و با هدف نهایی تدارک بازداشت انبوه و فراقضایی بخش های گسترده ای از این گروه قومی ایجاد کرده است و چه در بیرون از این مراکز و در محیط عادی زندگی خود بصورت سازماندهی شده و سیستماتیک، پیوسته در معرض سیاست ها، اقدامات و رفتارهایی هستند که منجر به ورود آسیب های شدید جسمی و روحی به آنها می شود. شکنجه جسمانی، خشونت جنسی و شکنجه روحی و روانی، اشکال عمده اقدامات آسیب رسانی هستند که اویغورها به ویژه در درون اردوگاهها بصورت روزمره آنها را تجربه می کنند. مطابق اظهارات شاهدان عینی و بازداشتی های پیشین که از اردوگاهها آزاد شده یا گریخته اند، بکارگیری شیوه های خشن و بیرحمانه برای بهنجارسازی و یا تنبیه آنها به واسطه استنکاف از دستورات مقامات اردوگاه و یا عدم رعایت مقررات آنجا، بخشی از روال رایج و روزمره زندگی بازداشت شدگان در چنان مکان هایی است. نشان دادن روی صندلی شکنجه، پابند زدن و بستن به صندلی های ثقیل، تختخواب، دیوار و سقف، بستن با غل و زنجیر های سنگین، محرومیت طولانی مدت از غذا، زندان انفرادی، شلاق خوردن، ضربات سخت و پیوسته با وسایل فلزی و الکتریکی و یا طناب و سیم لخت، کشیدن ناخن^{۶۲} و محرومیت از خواب در دوره بازجویی^{۶۳} تجربیات همسان و همانند بسیاری از کسانی است که مدتی از عمر خود را در اردوگاههای بازآموزی سپری کرده اند.

خشونت جنسی، صورت دیگری از تحمیل صدمات شدید روحی یا جسمی بر اویغورهای درون و بیرون اردوگاههای بازآموزی است که گزارش های فراوانی درباره آن توسط رسانه ها و اندیشکده ها و نهادهای بین المللی حقوق بشری انتشار یافته است. به گونه ای که بازگویی خاطرات تجاوز و سوءاستفاده جنسی را می توان داستان مشترک زنان و دخترانی دانست که مدتی را در اردوگاهها بوده اند.^{۶۴} بسیاری از زنان بازداشتی پیشین، تجاوز سیستماتیک و گسترده و انواع گوناگون سوءرفتار جنسی مانند تجاوز گروهی توسط مقامات امنیتی، برهنه کردن، خلوت با دختران جوان و آزار آنها، چمباتمه زدن با بدن لخت و آغشته سازی اندام جنسی با خمیر فلفل را گواهی نموده اند. همچنین زنان درون و بیرون اردوگاهها پیوسته در معرض اقداماتی چون عقیم سازی اجباری، کارگذاری IUD (وسیله پیشگیری)، سقط جنین اجباری و تزریق داروها و انجام درمانهای مختل کننده قاعده گی ماهیانه بوده و هستند.^{۶۵} علاوه بر آن ویدئوهایی در سراسر جهان منتشر گردیده و در دسترس عموم قرار گرفته که نشان می دهد زنان

⁶²-Newlines Institute for strategy and policy, *op. cit.*, p.27.

⁶³-Maizland, Lindsay, *op. cit.*

⁶⁴-*op. cit.*

⁶⁵-Newlines Institute for strategy and policy, *op. cit.*, p.29.

اویغوری به صورت سازماندهی شده و سیستماتیک مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.^{۶۶} آلیسا بمپوراد در پژوهشی تاریخی پیرامون زنان و خشونت یادآور شده است: "تجاوز گسترده اغلب به نخستین مرحله در نابودسازی گروه دشمن مبدل می شود. [...]. با درهم شکستن نظم اخلاقی و ساختار خویشاوندی، تجاوز گسترده چونان ابزاری در خدمت پاکسازی قومی عمل می کند."^{۶۷}

سومین شکل عمده آسیب رسانی به اویغورها در منطقه سین کیانگ شکنجه های روحی و روانی است که بازداشتی ها درون اردوگاهها بیش از همه در معرض آن قرار دارند. مغزشویی روزمره، تماشای اجباری پروپاگانداي حزب کمونیست، از بر کردن و تکرار شعارها و آموزه های حزبی، اجبار به انجام رفتارهای مغایر باورهای مذهبی مانند خوردن گوشت خوک و انداختن سجاده در آتش، انکار وجوهی از هویت قومی و مذهبی در برابر سایرین، خودانتقادی و ابراز ندامت در پیشگاه همگان، تهدید افراد بیرون از اردوگاهها به بازداشت، بی خوابی دادن به بازداشتی ها، زندان انفرادی، اعدام های ساختگی، ایجاد سروصدای مزاحم بصورت پیوسته، قرار دادن بازداشتی ها در معرض ضجه و ناله های قابل شنیدن از اتاق های بازجویی و نظایر آن کردارهایی هستند که اویغورهای درون اردوگاهها و در پاره ای موارد باشندگان شهرها و روستاهای اویغورنشین سین کیانگ هر روز به درجات و طرق مختلف قربانی آنها می شوند. فشار روحی و روانی ناشی از سوءرفتارهای یاد شده گاهی اوقات به میزانی است که بازداشت شدگان به فکر خودکشی افتاده یا پس از رهایی مبادرت به خودکشی می کنند.^{۶۸} گذشته از آن، خطاب قرار دادن اویغورها با ادبیات یادآور نگرشهای انسانیت زدایانه مانند اصطلاحات "عقب مانده"، "عهد بوقی"، "کند ذهن و امل"، "اعتمادناپذیر"، "خائن به دولت"، "تروریست" و عبارت های چون "شما انسان نیستید"، "شما شبیه انسان نیستید"، "اویغور بودن جرم است"، "قومی به نام اویغور وجود ندارد" و از این دست کاملاً رایج و معمول است.^{۶۹}

۳-۳. قرار دادن عمدی گروه، در معرض وضعیت زندگی نامناسبیکه منتهی به زوال قوای جسمیکلیباجزیبی گروه شود

گزارش های تحقیقی و رسانه ای پرشمار منتشر شده از سوی مراجع مختلف راجع به وضعیت اویغورهای سین کیانگ جملگی، در بردارنده شواهد و مصادیقی است از این امر که حکومت چین و مقامات ملی و محلی حزب کمونیست با سیاست ها و اقدامات خود در عمل، این گروه قومی را در چنان وضعیت زندگی قرار داده اند که پیامد آن، زوال کلی یا جزئی قوای جسمی اعضای گروه یادشده خواهد بود. همان گونه که پیش از این نیز یادآوری شد بیش از یک میلیون اویغور از سال ۲۰۱۷ به این سو بصورت انبوه و بدون رعایت تشریفات قانونی و قضایی بازداشت شده و به اردوگاههای بازآموزی انتقال یافته اند؛ اردوگاههایی که به هیچ عنوان وضعیت مناسبی نداشته و شرایط لازم برای یک زندگی متعارف را دارا نمی باشند. انتقال اجباری به اردوگاه نه تنها

^{۶۶} - گزارش های متعددی از تجاوز سازماندهی شده به زنان در اردوگاه های نگهداری مسلمانان اویغور در چین روایت شده است. به نقل از بی بی سی / فوریه / ۲۰۲۱

^{۶۷} - Störig, Henrietta, *op. cit.*, p.11.

^{۶۸} - Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.29-30.

^{۶۹} - *Ibid.*, p.17.

بازداشتی های اویغور را از خانه هایشان دور ساخته و آنها را به واسطه نگهداری در سلول های شلوغ و پر ازدحام و فاقد امکانات زیستی و بهداشتی مورد نیاز از داشتن یک زندگی عادی بی بهره می سازد، بلکه بازداشت شدگان را پیوسته در معرض محرومیت از غذای مناسب، پوشاک بسنده، مراقبتهای پزشکی لازم و سکونتگاه زیست پذیر قرار می دهد.

در اردوگاههای شدت کنترل شده ای که بازداشتی ها، تمام وقت، زیر نظارت دوربین ها هستند هرگونه نافرمانی یا قصور در اطاعت از ضوابط و دستورات می تواند به محرومیت از غذا منجر شود. علاوه بر آن، بسیاری از بازداشتی ها شامل کسانی می شوند که در سنین فرزندآوری هستند و بازداشت طولانی مدت در وضعیت زیستی نامناسب که معمولا با انجام اقدامات دارویی و درمانی مرتبط بر روی آنها همراه است، می تواند به قابلیت زادآوری شان آسیب زده یا آن را از بین ببرد.^{۷۰} فرسودگی شدید قوای جسمانی به واسطه بکارگیری در کار اجباری، آسیب دیگری است که بسیاری از اویغورهای درون و بیرون اردوگاهها آن را تجربه کرده اند. **موسسه سیاستگذاری راهبردی استرالیا** برآورد کرده است که از سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۰ هزار اویغور برای کار اجباری به کارخانجات متعلق به ۸۳ برند جهانی در سرتاسر چین فرستاده شده اند. شمار زیادی از اویغورها در چارچوب طرح توسعه سین کیانگ در مزارع پنبه این منطقه و برای پنبه چینی به کار اجباری گماشته شده اند، چراکه چین در نظر دارد منطقه مذکور را به قطب تولید پارچه، منسوجات و تولید لباس تبدیل کند.^{۷۱}

برخی از اقدامات دولت چین شباهت فراوانی با جنایت تعقیب و آزار مداوم^{۷۲} به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت (ماده ۷ اساسنامه) دارد؛ با این توضیح که متهم یا متهمان، بر خلاف حقوق بین الملل، قصد محروم کردن عمدی و شدید یک گروه یا مجموعه از حقوق اساسی شان را به دلیل هویت گروهی یا جمعی آنها دارد^{۷۳}؛ زیرا زندگی مردم اویغور روزانه از سوی دولت چین با استفاده از روش ها و ابزارهای مختلفی از جمله مانیتورینگ، آزمایش دی ان ای و شیوه های زیست سنجی (بیومتریک) رصد می شود.^{۷۴} دادستان کشور چین در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که مسئولان چین بیش از ۲۷ هزار نفر از مسلمانان اویغور را تنها در یک سال بازداشت کرده اند.

۳-۴. تحمیل اقداماتی که به قصد جلوگیری از تولد و تناسل در یک گروه صورت می گیرد

تحمیل اقدامات عمدی به منظور جلوگیری از فرزند آوری در یک گروه عبارتند از: «قطع عضو جنسی، عمل عقیم سازی، کنترل اجباری تولید مثل، جداسازی اجباری جنس های مخالف، ممنوعیت ازدواج و...». حکومت چین و مقامات ملی و

⁷⁰-Ibid., pp. 30-31.

⁷¹-Maizland, Lindsay, *op. cit.*

⁷²-Persecution

⁷³ - محمدنسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

⁷⁴-Maizland, Lindsay, *op. cit.*

محلی حزب حاکم با تلقی گروه قومی اویغور به عنوان سرچشمه اصلی تهدیدهای تروریستی برای امنیت ملی چین^{۷۵} مجموعه متنوعی از تدابیر و اقدامات را بکار بسته اند تا با جلوگیری از تولد و تناسل میان اویغورها نرخ زادآوری این گروه را به کمترین میزان ممکن بکاهند. عقیم سازی اجباری، کارگذاری وسایل درون رحمی پیشگیری از بارداری، اقدامات پیشگیری از حاملگی و تولد در زمان بازداشت و بازداشت انبوه افراد در سن باروری به منظور توقف فرزندآوری، در شمار مهمترین اقداماتی هستند که مطابق گزارشهای متعدد، توسط حکومت و مقامات چینی در منطقه سین کیانگ به قصد جلوگیری از تولد و تناسل در میان اویغورها به اجرا در آمده است.

اسناد دولتی درز کرده به بیرون در سال ۲۰۱۹ نشان می دهد که کارزاری فراگیر برای عقیم سازی گسترده زنان در مناطق روستایی در جریان است، چنانکه در دو شهرستان اویغورنشین ۱۴ و ۳۴ درصد همه زنان متاهل در سن فرزندآوری، به اجبار عقیم شده اند. در همین پیوند، در یک مطالعه راجع به زنان اویغور تبعیدی در ترکیه، مشخص شده است که ۲۵ درصد آنان عقیم شده اند، بی آن که از قبل اطلاع یافته باشند. همچنین در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ لوله رحمی صدها هزار نفر از زنان اویغور با انجام جراحی های عقیم سازی بسته شده است.^{۷۶} کارگذاری وسایل درون رحمی پیشگیری از بارداری اقدام دیگری است که زنان اویغور بصورت گسترده در معرض آن بوده اند. به گونه ای که در سال ۲۰۱۸ حدود ۸۰ درصد همه موارد کارگذاری های IUD در سرتاسر چین، در منطقه سین کیانگ انجام شده است، در حالی که این منطقه فقط ۱/۸ درصد جمعیت چین را دارد. این میزان کارگذاری IUD در سین کیانگ بیانگر یک افزایش ۷۷/۵ درصدی نسبت به چهار سال پیش است.^{۷۷}

سومین دسته از اقدامات انجام یافته با قصد جلوگیری از تولد و تناسل در میان اویغورها معطوف به کنترل زنان بازداشتی در اردوگاههای بازآموزی بوده است. بسیاری از زنان بازداشتی گواهی داده اند که به اجبار برای آنها IUD کار گذاشته اند و در صورت باردار بودن آنها را مجبور کرده اند تا جنین خود را سقط کنند.^{۷۸} انجام آزمایش خون منظم و پیوسته، تزریق مواد ناشناخته، تجویز داروها و اعمال درمانهای مختل کننده قاعده گی و ضربه به قسمت پایین شکم، رفتارهای ضد زادآوری دیگری بوده است که زنان بازداشت شده بصورت سیستماتیک تجربه کرده اند.^{۷۹} بازداشت انبوه مردان و زنان اویغور در سنین باروری چهارمین تمهیدی است که حکومت چین و مقامات این کشور در چارچوب کارزار پیشگیری از تولد و تناسل اویغورها بکار بسته اند. هدف از این اقدام آن است تا با جدا نگهداشتن اجباری زنان از مردان، روند زادآوری آنها را متوقف سازند.^{۸۰} بررسی و ارزیابی پیامدهای کاربست اقدامات و تدابیر حکومت و مقامات چینی در مناطق اویغورنشین سین کیانگ

⁷⁵-Finnegan, Ciara, *op. cit.*, p.7.

⁷⁶-Newlines Institute for strategy and Policy, *op. cit.*, p.31.

⁷⁷-*Ibid.*, p.32.

⁷⁸-Mattis, Peter, *op. cit.*

⁷⁹-Newlines Institute for strategy and Policy, *op. cit.*, p.۳۲.

⁸⁰-*Ibid.*, p.33.

به روشنی بیانگر اثرگذاری چشمگیر چنان تکاپوهایی است، چنانکه در دو مورد از بزرگترین استان های اویغورنشین بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نرخ رشد جمعیت تا ۸۴ درصد کاهش یافته است. همچنین در سال ۲۰۱۹ در شهرهای کاشغر و ختن تنها حدود ۳ درصد از زنان متاهل در سن فرزندآوری زایمان داشته اند. با این حال، حکومت چین با تایید کاهش رشد جمعیت در سین کیانگ و انکار ماهیت اجبارآمیز اقدامات انجام یافته، تمام تدابیر و اقدامات پیش گفته را در چارچوب "سیاست جامع برنامه ریزی خانواده" توجیه می کند.^{۸۱}

۳-۵. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر

در اوایل سال ۲۰۱۷ حکومت چین با طراحی یکسیاست جدید بصورتی گسترده به ایجاد کانون هایی مبادرت نمود تحت عنوان "مراکز ساماندهی رفاه کودک" که این مراکز در واقع مدارس شبانه روزی و پرورشگاه هایی بودند برابنگهداری تمام وقت کودکان و همچنین اطفالی که والدین شان هردو در بازداشت یا مشمول طرح کار اجباری بودند. حکومت چین با تعیین سهمیه برای شهرستان های منطقه سین کیانگ، آنها را مکلف کرده است تا هریک تعداد معینی از چنان مراکزی را ایجاد نمایند. در سال ۲۰۱۷ تنها در کاشغر ۱۸ پرورشگاه جدید دایر شده است. گزارش شده است که این پرورشگاه ها که صدها کیلومتر دورتر از منازل کودکان واقع شده اند بسیار شلوغ و پر ازدحام بوده و شرایطی غیرانسانی دارند. یک سند وزارت برنامه ریزی آموزشی چین فاش می سازد که بین ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ شمار کودکان جدا شده از خانواده ها و انتقال یافته به مدارس شبانه روزی تحت اداره حکومت، در مناطق اویغورنشین سین کیانگ تا ۷۶/۹ درصد افزایش داشته است و از ۴۹۷۸۰۰ نفر به ۸۸۰۵۰۰ نفر افزایش پیدا کرده است. مطابق برنامه ریزی حزب کمونیست چین، تا سال ۲۰۲۰ می باید تمام بیش از ۸۰۰ شهرستان منطقه سین کیانگ دست کم، یک تا دو مرکز از چنان مراکزی را دایر نمایند.^{۸۲}

پرورشگاهها و مدارس شبانه روزی تحت اداره حکومت به دو طریق، قابلیت اویغورها برای باز آفرینی و حفظ بقاء و موجودیت خود به عنوان یک گروه قومی متمایز را تهدید نموده و دستخوش کاستی و زوال می سازد. نخست، دگرگون ساختن ترکیب جمعیتی و کاستن از نرخ جانشینی جمعیت به واسطه انتقال بخشی موثر از اجتماع قومی که از ظرفیتی درخور توجه برای زادآوری بالقوه در آینده برخوردارند.^{۸۳} و دوم، آسان سازی فرایند "بازآموزی" و سیم کشی مجدد فرهنگی کودکان اویغور که آنها را در معرض مغزشویی پیوسته و آموزشهای سیاسی و تصحیح گیری روانشناختی مطلوب حکومت و حزب کمونیست قرار داده و با بسترسازی برای ایجاد "شکاف بین نسلی" باعث می شود تا پیوند نسل های آینده اویغور با هویت قومی و مذهبی، فرهنگ، ارزش ها، آداب، سنت ها و باورهای متمایز گروهی شان گسسته گردد.^{۸۴}

⁸¹-Ibid.

⁸²-Ibid, p.34.

⁸³-Ibid., p.35.

⁸⁴-Finnegan, Ciara, *op. cit.*, p.12.

۴. درنگی کوتاه پیرامون عنصر معنوی نسل کشی اوغورها

همان گونه که در مقدمه یادآوری شد کانون توجه نوشتار پیش رو معطوف به واکاوی و ارزیابی میزان تحقق مصادیق پاره های عنصر مادی جرم نسل کشی در زنجیره سیاست ها، تصمیم ها و اقدامات و عملیات دولت و مقامات ملی و محلی چین علیه اوغورهای مسلمان در منطقه سین کیانگ می باشد و از این رو، پرداختن به عنصر معنوی جرم مورد نظر و بررسی ابعاد مختلف آن، در دستور کار نبوده است. در واقع، مطالعه ژرف کاوانه و تفصیلی عنصر معنوی نسل کشی اوغورها، خود، مستلزم پژوهش مستقلی است. با این حال، با نظر داشت سطوح بالای به هم پیوستگی و درهم تنیدگی عناصر مادی و معنوی جرم نسل کشی و اثرگذاری تعیین کننده این امر بر فراهم شدن امکان رسیدگی به این جرم در دیوان کیفری بین المللی، کوشش شده است تا در بخش حاضر پژوهش، پیرامون عنصر معنوی نسل کشی اوغورها، درنگی هرچند کوتاه و گذرا صورت پذیرد.

در ادبیات حقوق کیفری بین المللی با الهام از مفاد ماده ۲ معاهده منع و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸ و ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی از سوءنیت ویژه و "قصد خاص" به منظور نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به مثابه یک کل، از طریق اعمال برشمرده در مواد پیش گفته، به عنوان مولفه قانونی عنصر معنوی جرم نسل کشی تعبیر می شود. لمکین در کسوت مبدع و پدیدآور مفهوم نسل کشی بر آن است که "اعمال احصاء شده در عنصر مادی، وابسته به قصد جنایی به منظور نابودی یا فلج کردن دائمی یک گروه انسانی است"^{۸۵}. دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی پیشین نیز در پرونده یلیسیچ^{۸۶} یادآور شده است قصد خاص برای نابودی تمام یا بخشی از یک گروه انسانی به عنوان یک کلیت، همان شاخص ویژگی بخش و متمایز کننده جرم نسل کشی از سایر جنایات بین المللی و جرایم عادی است.^{۸۷} در واقع، به پیروی از قطعنامه (۱) ۹۶ مجمع عمومی ملل متحد می توان اذعان داشت که قصد خاص معطوف به نابودسازی و براندازی کلی یا بخش‌گروه‌های انسانی هدف گیری شده، به منزله سازمایه اصلی و شالوده عنصر معنوی جرم نسل کشی، دلالت بر گونه ای باور به "انکار حق موجودیت گروه‌های انسانی [هدف] به مثابه یک کل" دارد.^{۸۸}

قصد مورد نظر را نیز فارغ از انگیزه های نهانی و نهایی برانگیزنده و رهنمون چنان قصدی، می توان برپایه اعلام صریح یا تلویحی آن و یا از طریق بررسی و ارزیابی حقایق همبسته و آشکار ساز مانند وسایل بکار برده شده توسط مرتکبان، وضعیت و هویت گروهی قربانیان، نظام مندی و سازمان یافتگی و برنامه دار بودن اعمال مجرمانه ارتكابی، بافت و بستر و مدت زمان رخ داد جرم و مانند آن احراز نمود.^{۸۹}

⁸⁵ - جوانمردی صاحب، مرتضی، "نسل زدایی: ساختار عناصر جرم" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۳۹.

⁸⁶ - Jelisc

⁸⁷ - کیتی چایساری، همان، ص ۱۰۵.

⁸⁸ - Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p. ۳۶.

⁸⁹ - جوانمردی صاحب، همان، صص ۳۹-۴۲.

در منطقه سین کیانگ بازداشت انبوه اویغورها و انتقال آنها به اردوگاههای بازآموزی و همچنین ناپدیدسازی اجباری و اعدام و قتل گزینش شده و هدفمند گروههایی از بازداشت شدگان، جملگی، مسبوق به مصوبات، اسناد سیاستی، تصمیم ها و فرمان های رسمی و اداری بوده است که دربردارنده عبارت ها و بندهایی هستند که قصد ریشه کنی و نابودی موجودیت و هویت جمعی اویغورها به عنوان یک گروه قومی متمایز را آشکارا می توان از آنها استنباط نمود. چنان متون و اسناد و تمهیداتی که در چارچوب کارزار موسوم به "جنگ خلق علیه ترور"^{۹۰} و برنامه دامنه دار مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و جدایی خواهی و پیرو اتخاذ سیاست "ضربه کوبنده"^{۹۱} در ۲۰۰۱ و تصویب قوانینی چون قانون جدید امنیت ملی در ۲۰۱۵، قانون ضد تروریسم در ۲۰۱۵ و مقررات منطقه ای ضد افراط گرایی سین کیانگ در ۲۰۱۶^{۹۲} صادر و ابلاغ شده است با ارجاع به گروههایی از اقلیت قومی اویغور، دربردارنده عبارت هایی هستند از این دست: "تومورها را ریشه کن کنید"، "آنها را کاملا نیست و نابود کنید..... آنها را از بیخ و بن بر کنید"، "هرکسی را که باید جمع اوری شود، جمع کنید"، "مطلقا رحم و شفقت نشان ندهید"، "ریشه هایشان را بخشکانید"^{۹۳}، "اصل و نسب شان را از بین ببرید"، "پیوندهایشان را بگسلید و درهم بشکنید".^{۹۴}

زبان استعاری بکار گرفته شده توسط مقامات ملی و محلی چین در توصیف اویغورها و اقدامات انجام یافته علیه آنها نیز جای تردید چندانی در خصوص قصد ریشه کنی و به نابودی کشاندن آنها به عنوان یک گروه قومی باقی نمی گذارد؛ استعاره هایی چون "علف های هرز"، "افشانه پاشی شیمیایی علف های هرز"، "طاعون سرایت پذیر"، "غده بدخیم"، "ویروس"، "سرطان"، "جراحی ریشه ای و تهاجمی" و مانند آن.^{۹۵}

علاوه بر آن، کنکاش در ماهیت و پیامدهای سیاست ها، تصمیم ها و اقدامات طراحی و اجرا شده علیه اویغورها و ارزیابی دقیق حقایق همبسته با آنها، به روشنی، بیانگر آن است که چنان سیاست ها، تصمیم ها و اقدام هایی در چارچوب نوعی کارزار برنامه ریزی شده، گسترده و نظام مند به منظور نابودی و ریشه کنی و براندازی گروه بندی قومی اویغورها تمهید و پیاده سازی شده است. بازداشت گسترده و فراگیر اویغورها موسوم به کارزار ضربه سخت، وجود طراحی کلی برای بازداشت گسترده، پایش مستمر و منظم سیاست ها و قوانین کنترل موالید و مقابله شدید با موارد نقض آنها، درهم شکستن بنیانهای زندگی خانوادگی اویغورها، از هم گسیختن پیوندهای اجتماعی و تعلقات گروهی و هویتی آنها، تخریب و تغییر کاربری مساجد و مکان های مقدس سین کیانگ و عملیات و اقدام های همسان دیگری از این دست، جملگی، شواهد و قرائنی هستند که برپایه آنها می توان از قصد مقامات چینی برای نابودسازی کلی یا جزیی اویغورها به عنوان یک گروه قومی پرده برداشت.^{۹۶}

^{۹۰}-The People's War on Terror

^{۹۱}-Strike Hard

^{۹۲}-Finnegan, Ciara, *op. cit.*, pp.6-8.

^{۹۳}-Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.10.

^{۹۴}-Mattis, Peter, *op. cit.*

^{۹۵}-Newlines Institute for Strategy and Policy, *op. cit.*, p.۳۷-۳۹.

^{۹۶}-Newlines Institute for strategy and Policy, *op. cit.*, pp.3۹-4۴.

۵. مسئولیت مقامات چین در قبال نسل کشی اویغورها

نظر به این که در گزارش های پرشمارِ مویدِ رخ داد پاره های پنجگانه جرم نسل کشی در سین کیانگ، به گواهی اسناد سیاستی و فرامین صادره از سوی حکومت و مقامات چین و همچنین سیاستها و اقدامات به اجرا گذاشته شده در مناطق اویغور نشین^{۹۷} و با نظرداشت توضیحات ارایه شده در بخش های پیشین، به روشنی، می توان قصد و برنامه ریزی آگاهانه برای نابودی گروه قومی اویغور و از بین بردن توانمندی این گروه برای بازتولید خود را استنباط نمود، بنابراین قطع نظر از مسئولیت بین المللی دولت چین از دیدگاه رهیافت مسئولیت کیفری بین المللی، این پرسش اساسی مطرح می شود که تا چه میزان امکان تعقیب، محاکمه و مجازات مقامات دولت چین در قبال نسل کشی اویغورها وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت باشد بر مبنای چه مقرراتی و به چه شیوه هایی؟

بر اساس موازین حقوق بین الملل^{۹۸}، کنوانسیون منع مجازات نسل کشی (۱۹۴۸) و نیز به موجب ماده ۶ اساس نامه دیوان، موجبات مسئولیت کیفری مقامات چینی اعم از دولتی و غیردولتی در نسل کشی اویغورها فراهم است. اشکال مسئولیت مقرر در ماده ۲۵ و ۲۸ اساس نامه، شامل مباشرت، شرکت، معاونت، دستور دادن و نیز مسئولیت فرماندهی، محقق است.^{۹۹} هم چنین، آنگونه که از گزارش های سازمان های بین المللی مستفاد می شود در میان افراد درگیر در فرایند نسل کشی اویغورها، از بالاترین مقامات دولتی تا مقامات دون پایه نظیر نگهبانان حضور دارند که همین اسناد و شواهد می تواند زمینه محکومیت آنان را بر مبنای مدل مسئولیت ناشی از فعالیت مجرمانه مشترک^{۱۰۰} موضوع ماده ۲۵(د) فراهم نماید.^{۱۰۱} مقامات دولتی در قبال ترک های خود مبنی بر عدم جلوگیری از جرایم ارتكابی از سوی زیردستان نیز مسئول شناخته می شوند.

اما از نظر شکلی، اولین مانع در مسیر ارجاع وضعیت اویغورها به دیوان یا قضایی ساختن آن، داشتن حق وتواز سوی مهم ترین متهم این قضیه یعنی دولت چین است. چین به عنوان یک عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل با بهره مندی از حق وتو بارها در قبال ارجاع وضعیت کشورهای دیگر نظیر میانمار به دیوان کیفری بین المللی مخالفت ورزیده است. مقامات دولت چین که خود در مظان اتهام نسل کشی هستند مطمئناً حاضر به ارجاع وضعیت اقلیت قومی اویغورها در اجرای بند ۱ ماده ۱۳ به دیوان

⁹⁷ - *Ibid*, 35-46.

⁹⁸ - Bar Human Rights Committee of England and Wales, op. cit.

⁹⁹ - *Amnesty International*, "China: "Where are they?" Time for answers about mass detentions in the Xinjiang Uyghur Autonomous region", 2018.

¹⁰⁰ - Joint Criminal Enterprise

^{۱۰۱} - بناس، گیدن و سایرین، اشکال مسئولیت در حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، انتشارات جنگل، ۱۳۹۷، ص. ۳۱۲.

نخواهند شد. تنها امکانی که برای تعقیب و پیگیری قضیه اوغورها باقی می ماند استفاده از اختیارات علی الراس دادستان دیوان بر اساس ماده ۱۵(۳) می باشد که آن هم تاکنون اتفاق نیفتاده است. به همین دلیل است که رسیدگی به اقدامات و سیاست های نسل کشی دولت چین با ابهام شدید مواجه است.

با آن که بسیاری از مراجع و نهادهای بین المللی هم‌نوا با پاپ رهبر کاتولیک های جهان از اوغورها به عنوان مردمانی ستمدیده یاد کرده اند و خواهان حمایت موثر جامعه جهانی از آنها شده اند، اما برخورد جامعه بین المللی با وضعیت مناطق اوغورنشین سین کیانگ همسان و یگانه نبوده است. درحالی که دولت ایالات متحده امریکا و پارلمان های کانادا، هلند و بریتانیا سیاست ها و اقدامات حکومت چین درقبال اوغورها را زیر نام نسل کشی توصیف کرده اند و همچنین اتحادیه اروپا نیز به انتقاد از طرز رفتار چین با گروه قومی اوغور پرداخته است و جملگی آنها برخورد فعال و موثر با مساله را ضروری دانسته اند، بسیاری دیگر از دولتها و کنشگران بین المللی بی تفاوتی پیشه نموده و یا حتی به حمایت از حکومت چین روی آورده اند. چنانکه در جولای ۲۰۱۹ که شماری از دولتهای غالباً اروپایی و غربی در نامه ای خطاب به رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل اقدامات چین را در سین کیانگ محکوم کردند، همزمان شمار قابل توجهی از سایر دولتها و از جمله پاکستان و عربستان سعودی در نامه ای متفاوت پیشرفت های "درخور توجه چین" در زمینه حقوق بشر و کوشش های آن برای "مبارزه با تروریسم" در سین کیانگ را ستودند. حفظ پیوندهای اقتصادی و روابط راهبردی با چین از مهمترین دلایل نحوه موضع گیری دسته اخیر دولتها ذکر شده است.^{۱۰۲}

در همین پیوند بسیاری از کارشناسان دلیل این سکوت یا پشتیبانی را دو چیز می دانند: نخست، پیوندها و همکاری های اقتصادی و روابط تجاری گسترده با غول تجاری چین، و دوم، نامطلوب بودن کارنامه و تهدیدستی دولتهای سکوت پیشه و پشتیبان چین در رعایت موازین حقوق بشر و نیاز آنها به بهره گیری از پشتیبانی چین به عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد. برای نمونه، دولت جمهوری اسلامی ایران بنا به محذورات و محدودیت های اقتصادی و راهبردی تاکنون هیچ گونه اعتراضی به وضعیت اوغورها نداشته و حتی بر آن است تا بزرگترین قرارداد اقتصادی خود را با عنوان موافقت نامه همکاری راهبردی با دولت چین کمونیست منعقد سازد. متأسفانه، دادستان دیوان کیفری بین المللی نیز در بیانیه خود در نوامبر سال ۲۰۲۰ با نفی صلاحیت قضایی خود از آغاز تحقیقات علیه چین خودداری ورزید.^{۱۰۳}

¹⁰²-Maizland, Lindsay, *op. cit.*

¹⁰³--Griffiths, James. "China avoids ICC prosecution over Xinjiang for now, but pressure is growing". CNN. Retrieved 19 December 2020.

نتیجه گیری

شمار شایان توجهی از اخبار و گزارش های انتشار یافته توسط رسانه های بین المللی درباره وضعیت مناطق اویغورنشین ایالت سین کیانگ و همچنین داده ها و یافته های پاره ای گزارش های منتشر شده از سوی اندیشکده ها و نهادهای بین المللی غیر دولتی و مجامع حقوق بشری به ویژه گزارش **موسسه افق های نوین برای استراتژی و سیاستگذاری،** جملگی، گواهی بر آن دارند که دولت چین کارزاری گسترده، فراگیر، برنامه ریزی شده و نظام مند برای نابودی و ریشه کنی گروه قومی اویغور تمهید نموده و در دست اجرا دارد. بر همین اساس، گمان ارتکاب جنایت نسل کشی اویغورها توسط دولت چین و مقامات ملی و محلی و گماشتگان این دولت به دغدغه و چالشی جدی برای بخش عمده ای از اعضای جامعه بین المللی و دستورکاری درخور اعتنا برای ژرف کاوی و اندیشه ورزی در پهنه های معرفتی چون حقوق کیفری بین الملل، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین المللی و دیگر حوزه های دانشی همبسته و هم گوهر، مبدل شده است. در همین راستا، نوشتار پیش رو را می توان تکاپویی فکری انگاشت که با بهره گیری از آموزه ها و فکر افزارهای حقوق کیفری بین المللی و سایر قلمروهای اندیشگی همبسته، در صدد بر آمده است تا به این مساله بپردازد که تا چه میزان تحقق پاره های عنصر مادی نسل کشی اویغورها را می توان محرز دانست تا بتوان بر پایه آن امکان رسیدگی دیوان کیفری بین المللی به اتهام ارتکاب جنایت نسل کشی توسط مقامات ملی و محلی دولت چین براساس تحقیقات علی الراس دادستان دیوان را موجه و معتبر دانست؟. دستاوردهای کوشش فکری انجام یافته برای پاسخ به این پرسش کانونی را می توان در بندهای زیر به عبارت آورد:

(۱) با نظر داشت مفاد ماده ۲ معاهده منع و مجازات جرم نسل کشی ۱۹۴۸ و ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، نظریه های نسل کشی فرهنگی و فرایندنگاری نسل کشی، به رغم نوآوری های فکری، به دلیل بی بهره بودن از پشتوانه قانونی و عدم اتکاء به رکن قانونی، نمی تواند چنان شالوده و مبنایی متقن و معتبر، دستمایه طرح اتهام نسل کشی اویغورها توسط دولت و مقامات چین قرار گیرد و بنابراین، ناگزیر، به اتکاء رهیافت مسئولیت کیفری بین المللی، می توان مقامات ملی و محلی دولت چین و گماشتگان آنها را در برابر رفتارهای مجرمانه ی هدف گیری شده در راستای نابودسازی اویغورها پاسخگو نمود.

(۲) شواهد و قرائن محکمه پسند و داده های معتبر و شایان توجه فراوانی می توان ارایه نمود که به موجب آنها تحقق و وقوع پاره های پنجگانه عنصر مادی جنایت نسل کشی در خصوص اویغورهای سین کیانگ محرز می باشد.

(۳) شمار زیادی از اسناد و مکاتبات و صورت جلسات رسمی و دولتی درز یافته ی مرتبط با نهادهای ملی و محلی و همچنین اظهارات و بیانیه های مراجع و مقامات چین، به روشنی، بیانگر آن است که پاره های پنجگانه عنصر مادی ارتکاب جنایت نسل

کشی علیه اوغورها، متکی به برنامه ریزی و نوعی طرح کلی و قصد خاص برای نابودسازی و ریشه کنی این گروه قومی بوده است.

۴) وجود شواهد و قرائن پرشمار معتبر و استنادپذیر برای احراز و اثبات عناصر مادی و معنوی ارتکاب جنایت نسل کشی علیه اوغورها پایه و پشتوانه استوار و اتکاء پذیری فراهم می آورد که دادستان دیوان کیفری بین المللی با بهره گیری از آنها می تواند درخواست خود را جهت آغاز تحقیق درباره اتهام نسل کشی اوغورها توسط مقامات چین تسلیم شعبه مقدماتی دیوان نماید.

۵) به رغم وجود شواهد و قرائن فراوانی که بر تحقق پاره های پنجگانه عنصر مادی و عنصر معنوی ارتکاب جنایت نسل کشی در سین کیانگ توسط مقامات ملی و محلی چین علیه گروه قومی اوغور دلالت دارد و با وجود سازوکارهای حقوقی ناظر به امکان قرار گرفتن این موضوع در دستور کار دیوان کیفری بین المللی، بنا به دلایل مختلف، رسیدگی به آن در دیوان، از چشم انداز روشنی در افق جامعه بین الملل برخوردار نیست. دوگانگی برخورد دولت ها با موضوع یاد شده می تواند یکی از موانع اصلی تحقق امکان رسیدگی به آن در دیوان باشد. به گونه ای که دولتهای غالباً اروپایی و غربی به همراه برخی نهادهای جهانی حقوق بشری، ارتکاب جنایت نسل کشی توسط حکومت و مقامات چین را محرز می دانند، اما بسیاری دیگر از دولتها، از جمله دولتهای جوامع اسلامی که اوغورها به واسطه همسانی های دینی و عقیدتی چشم یاری به آنها دارند، بیشتر، سکوت پیشه نموده یا حتی به حمایت از چین گرایش دارند.

منابع

فارسی:

- ۱- اردبیلی محمدعلی، محمد جعفر حبیب زاده، حسین فخرناب، "نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران"، پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳ (پیاپی ۴۷)، ۱۳۸۵.
- ۲- بناس، گیدن و سایرین، اشکال مسئولیت در حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، انتشارات جنگل، ۱۳۹۷.
- ۳- جاویدزاده، حمیدرضا، "سیاست های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی"، فصلنامه پژوهش حقوق سیاست، شماره ۳۳، ۱۳۹۰.

- ۴- جوانمردی صاحب، مرتضی، "نسل زدایی: ساختار عناصر جرم"، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.
- ۵- کوشا، سهیلا، اسماعیل طهمورثی، فاطمه سوهانیان، "رویه قضایی دیوان کیفری بین المللی در گزینش پرونده های ارجاعی"، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، ۱۳۹۸.
- ۶- کیتی چایساری، کریانگ ساک، *حقوق کیفری بین المللی*، ترجمه حسین آقای جنت مکان، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۷- شریفی، محسن، "ارکان نسلکشی در پرتو اسناد و رویه های قضایی بین المللی"، *تعالی حقوق*، شماره ۱۳۹۰، ۱۵.
- ۸- رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۹- فخر، حسین، "مفهوم نسل کشی در پرتو رأی دیوان بین المللی کیفری رواندا"، *همایش جهانی شدن حقوق و چالشهای آن*، مشهد، ۱۳۸۵، <https://civilica.com/doc/57692>.
- ۱۰- صابر، محمود، *آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- ۱۱- عزیزی، ستار و محمدحاجی، "تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل کشی"، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۱۳۹۰، ۴۵.
- ۱۲- محمدنسل، غلامرضا، *مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۵.
- ۱۳- یاقوتی، ابراهیم و عزیزه بهلولی، "مجازات جرم نسل کشی در دیوان بین المللی کیفری و دیوان های رواندا و یوگسلاوی"، *مجله مطالعات فقه اقتصادی*، شماره ۱، ۱۳۹۸.

English:

-*Amnesty International*, "China: "Where are they?" Time for answers about mass detentions in the Xinjiang Uyghur Autonomous region", 2018.

-*Bar Human Rights Committee of England and Wales* (2020), "Responsibility of States under International Law to Uyghurs and other Turkic Muslims in Xinjiang, China", Briefing Paper, www.barhumanrights.org.uk, 2020, Retrieved 10 May 2021.

-"China: Moves to Crush Uighur Independence Movement", *Progressive Muslima News*, Archived from the original on 11 April 2008. Retrieved 11 April 2008.

-Davidson, Helen, "Campaigners Call for Global Response to "Unprecedented" Oppression in Xinjiang", *The Guardian*, Monday, 19 April, 2021.

- Finnegan, Ciara, "The Uyghur Minority in China: A Case Study of Cultural Genocide, Minority Rights and the Insufficiency of International Legal Framework in Preventing State-Imposed Extinction", *Laws*, Vol.9, No.1,2020.
- Griffiths, James. "China avoids ICC prosecution over Xinjiang for now, but pressure is growing". *CNN*. Retrieved 19 December 2020.
- Maizland, Lindsay, "China's Repression of Uyghurs in Xinjiang, Council for Foreign Relations", www.cfr.org, Retrieved 7 June 2021.
- Mattis, Peter, "Yes, the Atrocities in Xinjiang Constitute a Genocide", *Foreign Policy*, 15 April, 2021.
- Newlines Institute for Strategy and Policy, *The Uyghur Genocide: A Examination of China's Breaches of the 1948 Genocide Convention*, 2021.
- Ramzy, Austin, and Chris Buckley. "‘Absolutely No Mercy’: Leaked Files Expose How China Organized Mass Detentions of Muslims." *The New York Times*, 16 Nov. 2019, www.nytimes.com/interactive/2019/11/16/world/asia/china-xinjiang-documents.html.
- Stanton, Gregory, "The Ten Stages of Genocide", www.genocidewatch.net, 2016, Retrieved 7 June 2021.
- Störig, Henrietta, *The Uyghurs of China: A Genocide in the Making, Tracking the Stages of Genocide*, Malmö University, Faculty of Culture and Society, International Relations, Dept. of Global Political Studies Bachelor programme-IR103L, 15 credits thesis, 2020, www.muep.se, Retrieved 4 July 2021.
- Toops, Stanley, "The Population Landscape of Xinjiang/East Turkestan", *Inner Asia*, Vol.2, No.2, 2000
- Zenz, Adrian, *Sterilizations, IUDs, and Mandatory Birth Control: the CCP's Campaign to Suppress Uyghur Birthrates in Xinjiang*, Washington D.C., The JAMESTOWN FOUNDATION, June 2020, Updated March 17, 2021, Attainable at: <http://www.jamestown.org>.
- Zhu, Wenqi, Zhang, Binxin, "Expectation of Prosecuting the Crimes of Genocide in China", in: Provost R., Akhavan P. (eds) *Confronting Genocide, Ius Gentium: Comparative Perspectives on Law and Justice*, Vol.7, Springer, Dordrecht, 2011, <http://doi.org/10.1007/978-90-481-9840-5-12>, Retrieved 4 July 2021.

Abstract

Assessing the Possibility of Prosecuting the Uyghur,s Genocide before the International Criminal Court

Genocide is one the most important International Crimes that has been adopted by the Rome 1998 Statute of the International Criminal Court and set out punishment for it in this international instrument. The crime of genocide has been conceived as mother of crimes in the doctrine. Taking place this crime in China against Uyghur Muslims has been under debate in these years. Recent report of Newlines Institute for Strategy and Policy about the Uyghur genocide allege signifies important of the issue and has attracted attention of the media and global society. This article attempts to investigate the issue through scrutinize the questions bellow: has the Actus Reus of the crime of genocide in events sequence concerned with Uyghurs proven? Does it verify requisite jurisdictional threshold for initiate investigations by the Prosecutor of ICC? What is the responsibility of Chinese authorities for the crimes mentioned above? In this article, intellectual effort was exerted in order to reach valid answers for the questions about the Uyghur genocide in Xinjiang region. Based on the documents and reports of different International authorities and organizations, it was revealed the the Actus Reus of the genocide was committed. Although normative and legal possibilities in Rome Statue provides proper conditions for investigating the issue, a bulk of practical obstacles and serious impediments cause the ICC prosecutor refrain from carrying it out. This study also confirms Chinese officials' international criminal responsibility- at the national and local level- and their mercenaries' for the Uyghur genocide. The method used in this study is analytic-descriptive one specially analysis related international documents and reports in order to evaluate elements of the crime of genocide.

Keywords: Uyghrs, Genocide, China, International Criminal Court, Threshold Jurisdiction